

حمد حضرت مقصودی را لایق و سزااست که از حرکت قلم اعلی اهل ناسوت انشاء ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۷۸

یاء

جناب حاجی میرزا محمد افشار علیه بهاء الله

سنة ۱۳۰۷

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد حضرت مقصودی را لایق و سزااست که از حرکت قلم اعلی اهل ناسوت انشاء را مسخر نمود و از کوثر مکنون در آن عظام رمیمه را بحیوة جدیدة بدیعه فائز فرمود تعالی تعالی فضله و تعالت رحمته و تعالت عظمته و سلطنته من یقدر ان یخصی بدائع عنایاته و جوامع اوامره و الطافه هو الذی جعل کلمة من کلماته علم الهدایة من عنده و رایة امره بین عباد و بها اظهر القيامة و اسرارها و الساعة و اشراطها طوبی لعارف عرف ما ظهر من عنده و لعالم شاهد ما اشرق من افق سماء جوده البهاء و الذکر و الثناء علی اولیائه و اصفیائه الذین سمعوا ندائه الأهلی و فازوا بکلمة بلی بلی یا فاطر السماء و مالک ملکوت السماء و اوثق عباد فائزون و عباد مکرمون و عباد مستقیمون و هم انصار الله و ایادی امره و مطالع اسمائه الحسنی و صفاته اخذوا الرّحیق من ید عطائه رغماً لأعدائه و شربوا باسمه امام وجوه خلقه انه هو مؤید اولیائه و مشید ارکان امره و رافع احبائه و مظهر مقاماتهم و شؤونهم فی مملکته انه هو القویّ الغالب العلیم الحکیم

دستخط عالی با ارمغان بیان و معانی باین خادم فانی رسید فی الحقیقه هر کلمه اش کأسی بود مملوّ از سلسبیل محبت و وداد چه که مزین بود بذکر و ثنای مالک ایجاد و مولی العباد مکرر قرائت شد و از هر کرّه عرف جدیدی بمشامّ حقیقی رسید سبحان الله نفحاتش بساط سرور گسترد و فوحاتش فرحی مقدّس از مقام عباد آورد و بعد قصد جنت علیا و فردوس اعلی نموده امام مولی الوری عرض شد و بشرف اصغاف فائز گشت اذاً ماج بحر بیان ربنا الرحمن و نطق مکلم الطور اذ کان مستویاً علی عرش الظهور بما ظهر به کنوز العرفان فی الامکان امام وجوه الأديان و نادى المناد من شطر السّجن اسمعوا نداء الله المرتفع من اعلی المقام قوله تبارک و تعالی



ORIGINAL

مح افرح بما اراد ان تتحرك على ذكرك يراعة الله المهيمن القيوم انا ذكرناك مرة بعد مرة و ارسلنا اليك الواحاً شتى التي ماج في كل كلمة من كلماتها بحر بيان ربك المهيمن على الغيب و الشهود و لاحت من آفاقها شمس المواهب و الألفاظ ان ربك يريد من اراده و يحب من احبه و يذكره بما يبقى به اسمه و اثره بدوام الملك و الملكوت ان المظلوم يذكر في مجبوحه الأحران فضلاً من عنده عليك لتشكر ربك مالک الوجود لم يمنعه ظلم الأعداء و لا سطوة كل أمر محجوب كما مستوياً على اريكة العدل ورد العبد الحاضر بكاتبك و قرأه امام الوجه وجدنا منه عرف خضوعك و خشوعك و توجهك الى الله رب هذا المقام المحمود طوبى لأذنك بما سمعت نداء الله و لعينك بما فازت بمشاهدة آثاره و للسانك بما نطق بثنائه بين عباد الله ان ربك هو الحق علام الغيوب اشهد انه بالبلاء رفع اسمه الأبهى و اظهر ما كان مكنوناً في كنز علمه العزيز المحبوب انا امرنا الكل بالأمانة و الديانة و الصدق و الوفاء من الناس من نبذ امر الله ورائه و ارتكب ما ناح به المقربون اخذ البغي و الفحشاء و نبذ البر و التقوى و نطق بمفتریات ما سمعت اذن الدنيا شبهها يشهد بذلك من ينطق في هذا البيت المعمور قل

الهي الهی ترى اغنامك بين ذئاب الأرض و امنائك تحت براثن الخيانة ای رب أسألك ببحر آياتك و انوار فجر ظهورك و بندائك الذي جعلته كوثر الحيوان لأهل الامكان و باسمك الذي به اضطربت افئدة الأديان ان تزين عبادك بطراز الصدق و الانصاف و فقههم على هداية ما فات عنهم عند تجليات انوار شمس ظهورك ثم ايدهم على الرجوع الى بساط عفوك و غفرانك و القيام لدى باب جودك و كرمك ای رب خلص عبادك من ظلم الظالمين و سطوة المعرضين ثم احفظهم بجنود الغيب و الشهادة انك انت المقتدر على ما تشاء و المهيمن على الأشياء لا اله الا انت الفياض الفضال العليم الخبير

يا ايها الشارب رحيق بياني قد سمعت ندائي الأمل باللغة الفصحى و نحب ان نذكرك باللغة النوراء لازال اين مظلوم در دست اعدا بوده وارد آوردند آنچه را که جز حق از احصای آن عاجز و قاصر این ایام ذئاب ارض احاطه نموده و در سر سر بضر این مظلوم مشغول ولكن الله يعلم خائنة الأعين و خافية الصدور آنچه در سبيل الهی وارد شود محبوبست کلمه يعقوب را بلا ملحق نمودیم اگرچه این ایام من غير ناصر و معين مشاهده ميشويم سوف يبعث الله كائنات ارضه و يظهر خزائنها و آن رجالی هستند که مبعوث ميشوند بنصرت نبأ عظيم بشأنی که هيچ منعی و هيچ سدی حائل نشود ایشانند مشارق قدرت و مظاهر قوت الهی هيچ امری از امور این جواهر لامعه مشرقه را منع نکند و ستر ننماید سبحان الله اهل بيان الى حين نفحات يوم را ادراک نموده اند احب از حزب قبل مشاهده ميشوند قل

اسألك يا مالک ملکوت الأسماء و فاطر السماء بمصباحك الذي ما اراد الا اصلاح العالم و ما اتخذ لنفسه زجاءً و لا بلوراً و لا حافظاً دونك ان تنور افئدة عبادك بنور معرفتك و زين رؤوسهم بأكاليل العدل و الانصاف ای رب ترى الظالمين اتحدوا في تضییع امرک و مقامات امنائك اسألك بارادتک المحیطة و مشیتک النافذة ان تحفظهم من شر هؤلاء الذين نقضوا عهدك و میثاقك و كفروا بآياتك الكبرى و بیناتك العظمی لا اله الا انت العلی الأبهی

اولیای آن ارض را از قبل مظلوم تکبیر برسان تکبیری که نفحاتش افئده و قلوب را جذب نماید و بافق منیر الا رساند و کل را از قبل مظلوم وصیت نما بامانت و دیانت و تقوی الله مالک الوجود و مربی الغیب و الشهود مکرر فرمودیم در این

ظهور اعظم نصرت بحکمت و بیانست نه بسیف و سنان در هر حال باید بتألیف قلوب و اتحاد نفوس مشغول باشند اعمال طیبّه جند الله بوده و هست و اخلاق مرضیه هادی عباد آنچه سبب اجتناب و احتراز عباد است بعزّ قبول فائز نه و بطراز رضا مزین نه اگرچه در محرم نقطه اولی از ملکوت اعلی ظاهر البتّه این فقره محبوب جانست و علّت فرح و انبساط و سبب سرور و نشاط ولکن اکثری از عدم آگاهی اگر فرحی در آن ایّام مشاهده نمایند نعوذ بالله حمل بر ضغینه و بغضا کنند لذا از مقتضیات حکمت حرمت آن یوم لازم چنانچه این مظلوم در عراق در ایّام محرم مصائب آن حضرت را ذکر مینمود و در بعضی از مجالس مصیبت حاضر میشد رحمه للعباد و شفقه لهم و حضرت اعلی روح ما سواه فداه هم حرمت آن ایّام را ملاحظه میفرمودند آنچه سبب تقرّب ناس و علّت اقبال و توجّه است باید بآن تمسّک نمود الی ان یظهر الأمر لهم این حکم محکم را بعباد برسانید تا کل آگاه شوند و به ما اراده الله تمسّک نمایند البهّاء المشرق من افق سمّاء رحمتی علیک و علی من معک و یحبّک و یسمع قولک فی امر الله المقتدر العلیم الحکیم انتهی امید آنکه اولیای الهی با قلوب طاهره مقدّسه و جنود مذکوره که اخلاق و اعمال طیبّه است بر نصرت امر قیام نمایند از افق هر لوحی نیر حکمت و بیان مشرق و لائخ و کل بآن مأمورند انشاءالله آن محبوب نفوس غافله را از اوامر و نواهی الهی آگاه نمایند اگر الی حین به ما اراده الله عمل میشد ایران بل ممالک اخری هم بنور امر ساطع و لائخ مشاهده میگشت این خادم فانی لازال عرض مینماید

الهی الهی آید اولیائک علی ما یظهر به عنایتک علی خلقک و امواج بحر عطائک فی مملکتک ای ربّ طهر افئدة المقبلین من کوثر بیانک و قدر لهم ما یزینهم بطراز العدل و الانصاف فی ایّامک لا اله الا انت الفضال العزیز الحکیم

و اما استدلالیه محکمه آن جناب باصغا فائز و قبول فرمودند لو شاء الله این ایّام ارسال میشود و اذن طبع هم از افق بیان طالع یسأل الخادم ربّه ان یفتح بخلوصکم و خضوعکم و اقبالکم و ذکرکم و بیانکم ابواب افئدة الناس انه اله الناس و مربیهم باسمه المربی الحکیم صدهزار شکر مقصود عالمیان را که هیچ مقبلی را از تجلیات نیر کلامش محروم ننمود و عرض جدید آن محبوب امام وجه مالک ملکوت بیان بشرف اصغا فائز و بنور قبول منور و مخصوص هریک از اسامی مذکوره لوح امنع اقدس از سمای عطا نازل و ارسال شد الحمد لله آن محبوب واسطه فیض فیاض گشتند و همچنین سبب نزول امطار رحمت فضال شدند امر نزول آیات بشأنیست که کل از احصایش عاجز و از جمیع جهات در لیالی و ایّام عرایض میرسد و جواب عنایت میگردد و اگر گاهی تأخیر شود دو جهت دارد اول آنکه از فضل حقّ جلّ جلاله آن حضرت در مقام اعلی یعنی اطمینان و ایقان ساکن لذا در تأخیر بآسی نه و ثانی کثرت تحریر در جواب عرایضی که بدعا فائز شده اند و البتّه آن محبوب راضی و شاگرد چه که بمائده های سماوی و نعمتهای حقیقی مکرر فائز گشته اند هنیئاً لحضرتکم وقتی از اوقات این کلمه علیا از لسان مالک ملکوت اسماء در ذکر آن جناب استماع شد قوله عزّ بیانیه یا عبد حاضر جناب میم و حاء بر خدمت قیام نموده انا جعلناه ساقی کوثر بیان الله ربّ العالمین انتهی

سبحان الله فضل بمقامیست که صاحبان السن و اقلام از عهده ذکرش برنیایند تشهد بذلک اوراق جنان الله المبین العلیم الحکیم اولیای آن ارض را اگر حکمت اقتضا مینماید و اجازه میدهد از جانب این خادم تکبیر و ثنا برسانید حقّ آگاه که در اکثری از احیان از مقصود عالمیان میطلب آنچه را که در امّ الکتاب مخدّ است انه هو السّامع المجیب و هو المقتدر القدیر البهّاء و الذّکر و الثّناء علیکم و علی من معکم و یسمع قولکم فی امر الله المهیمن القیوم انا لله و انا الیه راجعون